



Discourse Analysis of the Representation of Folk Poems in the Satire Stories of Houshang Moradi Kermani

**Hasan Zolfaghari^{*1}, Fateme Dashan², Najmeh Dorri³, Naser
Nikoubakht⁴**

Research background

There is no specific research on the reflection of folk poems in Houshang Moradi Kermani's works; however, there are some studies conducted the main themes of which are the culture and folk literature and folk poems. These articles are mostly collections of papers such as "The role of Kerman folklore culture in enriching children and adolescent literature" (2017) by Heidari Abkenari and Asadian. However, the presence of local and indigenous poems of Kerman have been mentioned only in three stories with no analytical aspect in this article.

Aims, questions, hypotheses

Folk poems have been used by many children and adolescent storytellers. Houshang Moradi Kermani is one of the most famous

Received: 03/07/2021

Accepted: 20/07/2021

* Corresponding Author's E-mail:
zolfaghari@modares.ac.ir

1 Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Corresponding author).

<https://orcid.org/0000-0003-2557-9525>

2 PhD Candidate of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

<https://orcid.org/0000-0002-0835-2874>

3 Associate Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

<https://orcid.org/0000-0001-5417-9411>

4 Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

<https://orcid.org/0000-0002-9157-2682>



writers in this field whose various forms of folk poems can be seen in his different works in a way that satire and folk poems are known as the two main features of this author. Meanwhile, these poems have also been used in satire. Using Van Leeuwen's critical discourse analysis model, the present study has tried to answer the following question: how is the representation of folk poems in the satire written by Houshang Moradi Kermani from the sixties to the eighties?

Main discussion

According to Van Leeuwen's critical discourse analysis model, the representation of folk poems in six satirical fictions of the *Water Urn*, *Oven*, *Mom's Guest*, *Pomegranate Smile*, *Like the Moon of the Fourteenth* and *Cushion* by Houshang Moradi Kermani are: The activists of the folk poems in the story of Khumra can be classified into two groups: adults and children.

With regards to gender, adults are often male; also, according to the determination of the nature, adults are mostly referred as individualization and children as collectivities. Folk poems of the epitaphs have been reflected in the story of "The first stone" of Tanoor. Adults are active in epitaphs; however, it is of the lullaby type in the story of "stone on stone". In this story, agents are introduced as mothers, or mothers instead of nomination which shows the emphasis on classification and relational identification. The atmosphere of the stories *Mom's Guest*, *Like the Moon of the Fourteenth*, and *Cushion*, changes from the village to the city. In the story of *Mom's Guest*, the agent is anonymous and is represented by a relational identification, the agent of which is "Naneh Anari", but the passive agent has been omitted. However, there is no elimination in *Cushion* agent and the passive agents are clear. The active agent in the story *Cushion* is a woman who eats pomegranate, and Avishan has a passive role.



Conclusion

The use of folk poems in stories with a rural atmosphere is more than an urban one. Also, according to Van Leeuwen's model, both forms of exclusion and inclusion are seen in the representation of activists in folklore.

Considering the activists as the main creators of folklore poems, they have been omitted in most cases, and considering them as the narrators of folk poems, they are identified with different components.

Activation and Passivation sometimes play an active role in the rural communities in addition to adults and children, but children and adolescents play a passive role in the urban communities, and adults are introduced as dynamic elements. In terms of gender activists, both men and women play active and sometimes passive roles. The active role of folklore poems in the urban communities is also played by the personalities of rural origin.

Personalization and impersonalization. Among the components of impersonalization, there is more utterance autonomization, and among the personalization, determination is done by nomination and categorization. Folklore agents are sometimes introduced by a semi-formal name or rarely by an official name, belonging to the traditional and rural classes. In some cases, categorization is used instead of nomination to identify active brokers, which gives a symbolic aspect to these activists.

Determining the nature. In many Moradi Kermani's works, determining the nature of the agents of folklore poems is in the form of assimilation. Children are usually shown as collectivities. In conclusion, it seems that Houshang Moradi Kermani insists on rural communities as the main preservers of folklore poems, those who may live in the city for some reasons; but they have preserved the cultural memory of their community. However, urban people do not have this



Culture and Folk Literature

E-ISSN: 2423-7000

Vol. 9, No. 40

September – October & November 2021

Research Article



memory. Communicating with this cultural memory, they can benefit from and enjoy it only through the villagers.

Reference

Heidari Abkenar, G., & Asadi, M. (2017). The role of Kerman folk culture in enriching children and adolescent literature. *Academy Letter*, 1(61), 179-185.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۹، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1400.9.40.8.8

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز

هوشنگ مرادی کرمانی

حسن ذوالفقاری^{۱*}، فاطمه داشن^۲، نجمه دری^۳، ناصر نیکوبخت^۴

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹)

چکیده

یکی از نویسندگان حوزه کودک و نوجوان ایران، هوشنگ مرادی کرمانی است که بیش از دیگر نویسندگان به فرهنگ مردم در آثارش توجه آگاهانه داشته است. وی در بیشتر آثارش از انواع ادبیات عامه از جمله اشعار عامه بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که کاربرد اشعار عامه و طنز از ویژگی‌های مهم سبک این نویسنده است و بازتاب این اشعار در هر کدام از داستان‌های طنزآمیز وی نیز به گونه‌ای

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*zolfagari@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-2557-9525>

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
<https://orcid.org/0000-0002-0835-2874>

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
<https://orcid.org/0000-0001-5417-9411>

۴. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
<https://orcid.org/0000-0002-9157-2682>

خاص است؛ با توجه به این امر در پژوهش حاضر بازنمایی اشعار عامه در شش اثر داستانی طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی ون لیوون کانون توجه بوده و از روش توصیفی - تحلیلی برای بررسی و تحلیل استفاده شده است. دیدگاه ون لیوون بر پایه بررسی کنشگران اجتماعی شکل گرفته است. وی مؤلفه‌های مختلفی را برای بررسی این کنشگران ارائه می‌دهد. در این جستار با توجه مؤلفه‌های حذف و ذکر مشخص شد کنشگران اصلی اشعار عامه در آثار داستانی طنز هوشنگ مرادی کرمانی، معمولاً ذکر می‌شوند و در بیشتر موارد روستاییان کنشگر فعال هستند و افرادی با اصالت شهری بیشتر نقش پذیرنده و منفعل را دارند. همچنین کودکان و نوجوانان نیز معمولاً در نقش پذیرنده و منفعل ظاهر می‌شوند. زنان در برخی موارد نقش منفعل و در برخی موارد نقش فعال را بر دوش می‌کشند. مؤلفه تشخیص‌زدایی و تشخیص‌بخشی و تعیین ماهیت نیز در بازنمایی کنشگران اشعار عامه دیده می‌شود که تأکید نویسندگان بر نقش روستاییان در حفظ اشعار عامه را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: هوشنگ مرادی کرمانی، تحلیل گفتمان، اشعار عامه، داستان‌های طنزآمیز، کنشگران.

۱. مقدمه

تعاریف و دسته‌بندی‌های مختلفی برای فرهنگ عامه ارائه شده است که با وجود داشتن تفاوت، همه بر این نکته اذعان دارند، ادبیات عامه یکی از عناصر مهم فرهنگ عامه به حساب می‌آید. در کتاب *زبان و ادبیات عامه ایران*، فرهنگ عامه به دو دسته مادی و معنوی تقسیم شده است. ادبیات عامه از جمله عناصر معنوی فرهنگ و در واقع غنی‌ترین بخش آن دانسته شده که شامل مجموعه‌ای از آثار روایی و غیرروایی منظوم و منثور و اغلب به شکل شفاهی است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۱). جعفری (قنوتی) نیز در مقاله‌ای، ادبیات شفاهی را بخشی از فولکلور می‌داند و بیان می‌کند که با همه تفاوت‌هایی که در استنباطات و تعاریف وجود دارد، تقریباً همه آن‌ها روی یک موضوع اتفاق نظر دارند: فولکلور به آن بخش از دانش و هنر گفته می‌شود که به صورت شفاهی

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

و زبان به زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (جعفری (قنواتی)، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۴).

در گذشته، ادبیات شفاهی در انتقال فرهنگ نقش عمده‌ای را ایفا می‌کرده است، اما در دوره مدرن با شهری شدن جامعه ایرانی و تغییر زندگی انسان‌ها، این کارکرد ادبیات شفاهی کم‌رنگ شده و کارکردهای جدیدی پیدا کرده است. یکی از کارکردهای آن در دوره مدرن «تبدیل شدن آن به عنوان مواد و مصالحی برای خلق آثار ادبی مدرن یعنی داستان، رمان و ترانه‌های امروزی است» (فاضلی، ۱۳۹۳، ص. ۴۶۶).

یکی از انواع مهم ادبیات شفاهی، اشعار عامه است که داستان‌نویسان معاصر در آثار خویش آن را بازتاب داده‌اند و به نوعی سعی در مکتوب کردن و حفظ این اشعار از طریق داستان خویش دارند. بسیاری از داستان‌نویسان کودک و نوجوان از اشعار عامه در کتاب‌هایشان استفاده کرده‌اند؛ یکی از معروف‌ترین نویسندگان این حوزه هوشنگ مرادی کرمانی است که در آثار مختلف وی شکل‌های گوناگون اشعار عامه را می‌توان دید. وی در یکی از مصاحبه‌هایش خود را شیفته ادبیات عامه و ازجمله اشعار عامه توصیف می‌کند: «البته من شیفته ادبیات عامیانه‌ام؛ افسانه‌ها، دوبیتی‌های روستایی و آداب و رسوم مردم معمولی» (مرادی کرمانی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸)، به گونه‌ای که طنز و اشعار عامه به منزله دو ویژگی اصلی سبک این نویسنده شناخته شده است و در برخی موارد، این اشعار در خدمت طنزآفرینی نیز قرار گرفته‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد، بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیزی که هوشنگ مرادی کرمانی از دهه ۱۳۶۰ تا دهه ۱۳۸۰ نگاشته است، چگونه است.

کانون توجه ون لیوون کنشگران اجتماعی است. وی به جای بررسی شاخصه‌های زبانی، با استفاده از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، بازنمایی کنشگران اجتماعی را بررسی و تحلیل می‌کند و معتقد است که «بررسی مؤلفه‌های مذکور بدین جهت صورت می‌پذیرد که در تبیین لایه‌های زیرین متون مختلف، کارایی مناسب‌تری برای پژوهشگر دارا می‌باشند» (حاتمی و اروجی، ۱۳۹۶، ص. ۹۹).

۲. پیشینه پژوهش

برپایه جست‌وجوی نگارندگان این مقاله، تاکنون پژوهشی با رویکرد ون لیوون درباره فرهنگ و ادبیات عامه انجام نشده است و این پژوهش را می‌توان در نوع خود پژوهشی بدیع به حساب آورد، اما مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی برپایه الگوی ون لیوون درباره موضوع‌های دیگر انجام شده است که ذکر آن‌ها در اینجا ضروری به نظر نمی‌رسد. درباره هوشنگ مرادی کرمانی نیز پژوهش‌های بی‌شماری صورت گرفته است، اما پژوهش اختصاصی درباره بازتاب اشعار عامه، در آثار این نویسنده وجود ندارد. گاهی در پژوهش‌هایی که محور اصلی آن‌ها فرهنگ و ادبیات عامه در آثار این نویسنده است به صورت مختصر به اشعار عامه اشاره شده است که بیشتر جنبه گردآوری دارند. این تحقیق‌ها را می‌توان به دو بخش پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها تقسیم‌بندی کرد:

الف) پایان‌نامه

- بازتاب فرهنگ عامه و طنز در آثار هوشنگ مرادی کرمانی (۱۳۸۹) نوشته علی‌رضا عندلیب لاری که شیوه‌های طنزپردازی نویسنده، محور اصلی قرار گرفته است. نویسنده این پایان‌نامه آمیختگی نظم و نثر یکی از مختصات سبکی هوشنگ مرادی

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

کرمانی می‌داند و کاربرد اشعار را به‌منزله یکی از شیوه‌های خلق فضای طنزآمیز در قصه‌های این نویسنده برمی‌شمارد.

- بررسی جنبه‌های فولکلوریک در آثار هوشنگ مرادی کرمانی براساس نظریه ایدئولوژی آلتوسر (۱۳۹۲) نوشته الهام کارگر که در این پایان‌نامه جنبه‌های فولکلوریک آثار مرادی کرمانی برپایه نظریه آلتوسر بررسی و تحلیل شده است؛ در بخشی از این پژوهش، اشعار عامه بازتاب یافته در داستان‌های نویسنده گردآوری شده و البته جنبه تحلیلی بسیار کمی دارد.

- بومی‌گرایی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی (۱۳۹۲) نوشته اصغر عیسی‌پور کلهبونی که در این پایان‌نامه مؤلفه‌های بومی در داستان‌های مختلف هوشنگ مرادی کرمانی بررسی شده است. در این پژوهش به‌صورت گذرا به اشعار عامه در آثار داستانی هوشنگ مرادی کرمانی پرداخته شده، اما تحلیل نشده است.

ب) مقالات

- «بررسی مقایسه‌ای عناصر اقلیمی و بومی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و محمد بهمن‌یگی» (۱۳۹۶) نوشته آسیه فقیه پرشکوهی و اصغر عیسی‌پور کلهبونی است. در این مقاله بازتاب باورهای عامه در آثار دو نویسنده با هم مقایسه شده و اشاره‌ای به ادبیات عامه نشده است.

- «نقش فرهنگ عامه کرمان در غنی‌سازی ادبیات کودک و نوجوان» (۱۳۹۶) نوشته غزاله حیدری آبکناری و مریم اسدیان که در این مقاله به تأثیر فرهنگ عامه کرمان در سه داستان نخل، بچه‌های قالیباف خانه و خمره پرداخته شده است. در این مقاله نیز به

حضور اشعار محلی و بومی کرمان در سه داستان فقط اشاره شده است و جنبه تحلیلی ندارد.

- «بومی گرایی و اقلیم گرایی در رمان شما که غریبه نیستید هوشنگ مرادی کرمانی» (۱۳۹۷) که سعیده منظری توکلی و محمود بشیری آن را نگاشته‌اند. در این مقاله بازتاب انواع فرهنگ عامه از جمله اشعار عامه در رمان شما که غریبه نیستید بررسی شده است و مانند مقاله‌های پیشین جنبه تحلیلی ندارد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، ابتدا اشعار عامه در شش اثر داستانی طنزآمیز خمره، تنور و داستان‌های دیگر، مهمان مامان، لبخند انار، مثل ماه شب چهارده و نازبالش از هوشنگ مرادی کرمانی، جمع‌آوری شده و براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون، با توجه به کنشگران آن در داستان بررسی و تحلیل شده است. این پژوهش از نوع پژوهش کیفی است و گردآوری اطلاعات نیز به شکل کتابخانه‌ای انجام شده است.

۴. مبانی نظری

تحلیل گفتمان حوزه‌ای بینارشته‌ای است که رویکردها و روش‌های فراوانی دارد. پژوهشگران بنابر اهداف خود از یک یا چند روش و رویکرد آن استفاده می‌کنند. یکی از رویکردهای مهم تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی است. ون لیوون یکی از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی است. از نظر وی

گفتمان، دانشی برساخته از نیروهای اجتماعی است و در بافت اجتماعی مشخص و به شیوه‌ای مشخص امکان نمود یافته است و تولید و درک کنش‌های اجتماعی را

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... _____ حسن ذوالفقاری و همکاران

امکان‌پذیر می‌سازد و می‌تواند به‌عنوان مثابه‌ای برای بازنمایی کنش‌های اجتماعی در متن مورد استفاده قرار گیرد (قهرمانی، ۱۳۹۲، ص. ۵۲).

الگوی وی از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی تشکیل شده است که با تحلیل بازنمایی کنشگران اجتماعی سعی در دستیابی به لایه‌های زیرین متن دارد. ون لیوون براساس مؤلفه‌های حذف و ذکر به بررسی کنشگران اجتماعی می‌پردازد. حذف معمولاً به دو صورت پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی است.

در پنهان‌سازی، خواننده (و گاهی حتی خود نویسنده) نمی‌تواند کارگزار را بازیابی یا بازسازی کند. در کم‌رنگ‌سازی کارگزار اجتماعی حذف شده، ولی جای پایی از خود در نقطه‌ای دیگر به جای می‌گذارد که بشود آن را بازیابی کرد (یارمحمدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۸).

فعال‌سازی و منفعل‌سازی که در برخی موارد واگذاری نقش نیز گفته می‌شود، از مؤلفه‌های مهم گفتمان‌مدار الگوی ون لیوون است و زیرمجموعه مؤلفه ذکر قرار دارد. از نظر ون لیوون همیشه نقش جامعه‌شناختی کنشگران با نقش دستوری آن‌ها منطبق نیست؛ در نتیجه فعال یا منفعل بودن کنشگران نقش مهمی در تحلیل متون دارد. به غیر از ون لیوون نظریه‌پردازان دیگری مانند ون دایک نیز به این امر توجه کرده‌اند و معتقدند «برای شناخت ایدئولوژی در متن اینکه کنشگران نقش عامل یا پذیرنده یا بهره‌وران یک کنش باشند اهمیت دارد» (واندایک، ۲۰۰۴، ترجمه نوبخت، ۱۳۹۴، ص. ۷۲). ون لیوون فعال و منفعل‌سازی کنشگران را این چنین تعریف می‌کند:

در فعال‌سازی، کنشگران اجتماعی به‌عنوان عاملی پویا نشان داده می‌شوند و در منفعل‌سازی، کنشگران به‌صورت عامل تأثیرپذیر ظاهر می‌شوند و در برخی موارد نیز ممکن است یک کنشگر در یک فعالیت خاص عامل باشد و گاهی نیز پذیرنده یک کنش محسوب شود (۲۰۰۸، ص. ۳۲).

به بیان دیگر یک کنشگر هم در نقش فعال و هم منفعل ظاهر می‌شود. یکی دیگر از عناصر مؤلفه ذکر، تشخیص بخشی و تشخیص‌زادی یا تعیین نوع اشاره است. تشخیص‌زادی شامل انتزاعی و عینی کردن است. تشخیص بخشی خود در ابتدا به دو دسته مشخص‌سازی و نام‌مشخص‌سازی تقسیم می‌شود. در نام‌مشخص‌سازی کنشگر اجتماعی (فردی یا گروهی) ناشناخته و گمنام است. به‌طور معمول نام‌مشخص‌سازی با به‌کارگیری ادات ابهام و ضمائر مبهم مانند هرکس، اندکی، بعضی، آن‌ها و... در ابتدای اسامی و تعبی‌رات حاصل می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۱). مشخص‌سازی زمانی رخ می‌دهد که کنشگران اجتماعی به‌نحوی مشخص و شناخته‌شده هستند و شامل پیوند زدن/ پیوند‌زادی، تفکیک کردن/ تفکیک نکردن، مقوله‌بندی/ نام‌دهی، مشخص‌سازی تک‌موردی/ مشخص‌سازی چندموردی است که برخی از آن‌ها زیرمجموعه‌های خود را دارند (یارمحمدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۴). تعیین ماهیت نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های ذکر به حساب می‌آید. کنشگران اجتماعی یا به‌صورت عام، کلی و جمعی در قالب طبقه و صنف تصویرسازی می‌شوند یا به‌صورت خاص، جزئی و فردی در قالب افراد با هویت خاص خود بازنمایی می‌شوند؛ شیوه اول عام ارجاعی و شیوه دوم خاص ارجاعی نام دارد (اکبری، ۱۳۹۷، ص. ۵۰).

کاربرد اشعار در متون منتور از دیرباز تاکنون در ادبیات فارسی رایج است. در آثار هوشنگ مرادی کرمانی نیز بازنمایی اشعار ازجمله اشعار عامه دیده می‌شود؛ در نتیجه این جستار با استفاده از الگوی ون لیوون چگونگی بازتاب و بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز وی بررسی و تحلیل خواهد کرد و با توجه به تمرکز ون لیوون بر کنشگران، به نظر می‌رسد استفاده از این نظریه به شناخت بهتر از موضوع کمک شایانی کند.

۵. بحث و بررسی

درمجموع در شش اثر کانون بررسی این جستار، ۴۳ بیت اشعار عامه دیده می‌شود که در این قسمت با توجه به مؤلفه‌های کانون توجه ون لیوون، چگونگی بازنمایی این اشعار با توجه به کنشگران، تحلیل و بررسی خواهد شد. مسلم است که تمام مؤلفه‌های موردتوجه ون لیوون نمی‌تواند در یک متن وجود داشته باشد، به همین سبب بررسی و تحلیل براساس مؤلفه‌های موجود صورت خواهد گرفت.

۱-۵. خمره

یکی از آثار طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی، داستان خمره است. این داستان در اواخر دهه ۱۳۶۰ و از زاویه دید سوم شخص نگارش یافته است. مکان داستان روستایی است شبیه سیرچ، زادگاه نویسنده و یازده بیت شعر عامه در این داستان گنجانده شده است. اشعار عامه بازتاب یافته در این داستان را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: اشعاری که از گنجینه فرهنگ مردم بومی استخراج شده و در قالب دوبیتی و تک‌بیتی است و دسته دوم، اشعاری که در داستان متولد شده‌اند و قالب مشخصی ندارد و حتی قواعد شعری نیز در آن‌ها به درستی رعایت نشده است. در بازنمایی هر دو نوع این اشعار، مؤلفه حذف و ذکر دیده می‌شود: در شکل اول آفرینندگان اصلی اشعار عامه به صورت پنهان‌سازی حذف شده‌اند. در شکل دوم، سراینده اصلی این اشعار، نویسنده داستان، یعنی هوشنگ مرادی کرمانی است، اما در داستان در مواقعی یکی از شخصیت‌های داستان نقش سراینده را بر دوش می‌کشد و نام او آشکارا ذکر می‌شود؛ گاهی نیز با توجه به فضای داستان، مشخص است خالق آن‌ها فرد یا افرادی از اهالی آبادی باید باشند و با کم‌رنگ‌سازی کنشگران اصلی حذف می‌شوند:

کوچه پر از بچه شد. راه افتادند دنبال خمره. بچه‌ها با چوب‌زدن روی پیت، کف‌زدن، زدن دو تا سنگ به هم تق و توق، دامب و دومب و هرهر خنده، کوچه را گذاشتند روی سرشان. دم گرفتند. مسخرگی کردند و خواندند:

آهای عباس آمد با خمره	خمره آمد با عباس
سرها‌تان را در بیارید	خمره ما را ببینید
خمره ما قشنگ است	نگو ساخت فرنگ است

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵)

اگر کنشگران اشعار عامه، راویان و بهره‌مندان آن در داستان، مدنظر باشد، در داستان خمره با شیوه‌های مختلف ذکر می‌شوند؛ در جایی از داستان، قصه عامیانه‌ای تعریف می‌شود و لابه‌لای این قصه، اشعار عامه نیز از زبان یکی از شخصیت‌های قصه یعنی شغال نقل شده است، در نتیجه شغال نقش فعال دارد:

شغال، توی تاریکی با شنیدن صدای انجیرها خوشحال می‌رود سراغشان. برشان دارد و می‌خورد. ذوق می‌کند و به دنبال صدای افتادن انجیرهای بعدی می‌دود و زیر لب می‌گوید:

تلپ، تلپ جون دلم کجا افتادی ورت دارم؟

(همان، ص. ۵۹)

راوی اصلی قصه و درواقع اشعار عامه به شیوه نامشخص‌سازی با عنوان «یکی از بچه‌ها» توصیف می‌شود و نقش منفعل، آقای صمدی و بچه‌های کلاس دوم هستند؛ آقای صمدی با عنوان رسمی نام برده می‌شود؛ ولی اسمی از بچه‌ها آورده نمی‌شود و با قرینه می‌توان دریافت که آن‌ها نیز شنونده این قصه و اشعار عامه آن هستند. این شعر با زبان کودکانه و ساده روایت می‌شود و شاید یکی از دلایل لبخند آقای معلم نیز همین باشد: «آقای صمدی سرکلاس دوم بود، یکی از بچه‌ها

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... _____ حسن ذوالفقاری و همکاران

داشت داستان انجیر خوردن شغال‌ها را می‌گفت. آقا، همان طور که گوش می‌داد و لبخند می‌زد از در کلاس سرک می‌کشید» (همان، ص. ۶۰).

بچه‌ها نیز وقتی اشعار عامه را با خود تکرار می‌کنند، به‌صورت کنشگران فعال اشعار عامه بازنمایی می‌شوند و مردم آبادی، خاور و عباس که این اشعار را گوش می‌دهند، عاملی منفعل و پذیرنده محسوب می‌شوند. هرچند به‌صورت مستقیم، به نقش منفعل مردم آبادی اشاره نمی‌شود، با قرینه می‌شود به این نتیجه رسید مردمی که خمره را تماشا می‌کنند اشعار عامیانه بچه‌ها را می‌شنوند، اشعاری که سادگی و تکرار در آن به طنزآمیز بودن این قسمت کمک کرده است:

آهای، عباس آمد با خمره	خمره آمد با عباس
سرها تان را در بیارید	خمره ما را ببینید
خمره ما قشنگ است	نگو ساخت فرنگ است

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵)

«باد کناره پتو را زده بود کنار. خمره نو و زیبا مثل عروس چاق خم شده بود روی الاغ. از لای پتو با شادی و خجالت جماعت را تماشا می‌کرد و یواش یواش می‌جنبید». در یک صحنه نام خاور و پسرش عباس به‌صورت فرد ارجاعی آورده می‌شود و مردم و بچه‌ها به‌صورت کلی ارجاعی. این امر بی‌اهمیتی نقش این کنشگران را می‌رساند و آورده شدن نام خاور و پسرش نه از جهت بازنمایی ادبیات عامه، بلکه به دلیل اهمیت اتفاقی است که در داستان رخ می‌دهد. اینجا آنچه برای خاور اهمیت دارد خمره است نه اشعار عامه. همچنین خاور نقش کنشگر منفعل و فعال را با هم دارد: «بچه‌ها که شلوغ می‌کردند و شعر می‌خواندند خاور کیف می‌کرد و تا ساکت شدند اشاره می‌کرد که بخوانید بزنید» (همان).

زمانی که بچه‌ها کنشگر فعال اشعار عامیانه می‌شوند، به صورتی کلی ارجاعی نمایش داده می‌شوند و در برابر آن‌ها مردم نیز به همین صورت کلی ارجاعی دیده می‌شوند. مردم گاهی به صورت فرد ارجاعی نیز نمایش داده می‌شوند مثلاً رمضان یکی از اهالی آبادی، در صحنه‌ای از داستان، نقش عامل پویا را بر عهده دارد و فرد ارجاعی به حساب می‌آید و بچه‌ها و معلم، پذیرنده و کنشگر منفعل هستند. کنشگری همه شخصیت‌ها با تشخیص‌زدایی و گفته‌مداری است. به صورت مستقیم اسمی از آقا معلم آورده نمی‌شود؛ بلکه با توجه به بافت داستان است که مشخص می‌شود معلم نیز شنونده این اشعار است. همچنین به نظر می‌رسد، خوانش رمضان، فضای طنزآمیزی در داستان به وجود آورده که کنشگر منفعل را وادار به خندیدن کرده است:

سه روزه رفته‌ای سی روزه حالا زمستون رفته‌ای نوروزه حالا

تو که گفتی سر هفته می‌آیم شماره کن بین چند روزه حالا

آقا اجازه! رمضان دارد توی باغش آواز می‌خواند، خنده‌مان می‌گیرد.

قنبری، قنبری، برو به رمضان بگو پشت دیوار مدرسه آواز نخواند.

بگذار کارمان را بکنیم (همان، ص. ۱۴۴).

نمونه دیگری از بازتاب اشعار عامه در داستان خمره زمانی است که خاور و پسرش شعر طنزی را به معلم روستا نشان می‌دهند که در آن خاور، عباس و معلم کانون تهمت و شایعه‌سازی قرار گرفته‌اند و در ادامه پسر خاور می‌گوید که سراینده این شعر شخصی به نام موسی است؛ بنابراین موسی کنشگر فعال است و معلم و خاور و پسرش نقشی منفعل و پذیرنده دارند:

آقا کاغذ را گرفت، نگاه کرد. روی کاغذ شعر چرندی بود از وضع و حال آبادی،

مدرسه و خمره و آوردن تخم مرغ به جای کاردستی تا رسیده بود به اینجا که:

گفت خاور گر بخوای خمره آید توی ده پول بده انجیر بده گردو بده

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

جمع شد پول و جنس بی حساب خورد عباس جوان نان با کباب

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۹)

به‌طور کلی کنشگران اشعار عامه در داستان خمیره را از نظر سنی، می‌توان به دو دسته بزرگسال و کودک دسته‌بندی کرد. در بازنمایی این دو طیف سنی از اشعار عامه، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. بزرگسالان از نظر جنسیت، بیشتر مواقع مذکر هستند؛ از منظر نام و عنوان، معلم روستا که در اصل ساکن شهر است، با عنوان رسمی «آقای صمدی» یا «آقا» ذکر شده که عنوانی برای نقش معلم است؛ این شخصیت شهری در نقش منفعل است. کنشگران فعال و منفعل روستایی نیز با نام‌های غیررسمی مانند رمضان، خاور و عباس شناسانده می‌شوند. طبق مؤلفه تعیین ماهیت، بزرگسالان بیشتر به‌صورت فرد ارجاعی نشان داده شده‌اند و کودکان به‌صورت کلی ارجاعی. به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر این باشد که در داستان خمیره، شخصیت قهرمان کودک حضور ندارد، بلکه «با تعداد زیادی شخصیت کودک مواجه‌ایم که نقش یکسانی در پیش‌برد داستان دارند» (ادهمی، ۱۳۹۵، ص. ۴۲۶). همچنین آن زمان که کودکان کنشگر پویا یا پذیرنده اشعار عامه هستند، در بیشتر مواقع، با نام‌شخص‌سازی نشان داده شده‌اند و نام ندارند یا اینکه با گفته‌مداری که از زیرمجموعه‌های تشخیص‌زدایی است ذکر می‌شوند. زبان به‌کاررفته در این داستان، زبان کودکان است و داستان از زاویه دید یک کودک روایت می‌شود، بالطبع باید کودکان با مشخصه‌های بیشتری نشان داده شود، اما نویسنده با نام‌شخص‌سازی و عدم عنوان‌دهی سعی در عدم برجسته‌سازی نقش آن‌ها در بازنمایی اشعار عامه دارد. شاید یکی از علت‌های این موضوع در ارتباط با بافت روستایی داستان و توجه نداشتن به کودکان در فضای روستا نیز باشد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت در بازنمایی اشعار عامه در این داستان، نقش بزرگسالان برجسته‌تر از کودکان است.

۵-۲. تنور و داستان‌های دیگر

بعد از خمره، اثر دیگر طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی، کتاب تنور و داستان‌های دیگر است که از مجموعه داستان‌هایی کوتاه تشکیل شده است؛ در دو داستان طنزآمیز سنگ اول و سنگ روی سنگ از این مجموعه داستان، اشعار عامه نمود دارد؛ در داستان کوتاه سنگ اول، هفت بیت شعر عامه حضور دارد و این شعرها در دسته گورنوشته‌ها قرار دارند. گورنوشته‌ها «به نوشته‌هایی اطلاق می‌شود که بر سنگ قبر مردگان حک می‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ص. ۲۷۴). موضوع داستان، رقابت مردم آبادی بر سر سنگ قبر است که هرکدام از سنگ قبرها شعری بر روی خود دارند و نویسنده در کنار استفاده از شیوه‌های دیگر از این اشعار نیز برای طنزآمیز کردن داستان استفاده کرده است و به‌نوعی فضای آیرونیک را در داستان به وجود آورده است:

حالا پدر عباسی رفته بود شهر و دم سنگ تراشی و گفته بود که سنگی برایش درست کنند و رویش بنویسند:

«آرامگاه پدری مهربان و فداکار» و زیرش هم قشنگ این شعر را بکنند:
باورم نیست پدر رفتی و خاموش شدی ترک ما کردی و با خاک هم‌آغوش شدی
خانه را نوری اگر بود ز رخسار تو بود ای چراغ دل ما از چه تو خاموش شدی
(مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۲)

در بازنمایی اشعار بالا کنشگر فعال با مؤلفه نام‌دهی و عنوان‌دهی نسبتی شناسانده می‌شود؛ از نظر ون لیوون زمانی که کارگزاران اجتماعی با توجه به هویت منحصر به فردشان بازنمایی شوند، از شیوه نام‌دهی استفاده شده است و یکی از روش‌های نام‌دهی، عنوان‌دهی نسبتی است مانند: دایی جان مهدی (یارمحمدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۶) در این داستان، نویسنده برای شخصیت خود نامی را انتخاب می‌کند که به نوعی می‌توان عنوان مدرسه‌ای بر آن گذاشت. راوی سوم شخص است و با

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

عنوان‌دهی‌هایی مانند پدر میرحسینی و... تداعی‌کننده یکی از دانش‌آموزان مدرسه است. کنشگر منفعل نیز با ماهیت گروه ارجاعی و به روش نامشخص‌سازی با عنوان «مردم آبادی» نام برده می‌شوند: «مردم آبادی که فهمیدند پدر عباسی از شهر برای خودش چه آورده، زدند زیر خنده» (مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۳).

پدر عباسی، به‌منزله یکی از کنشگران فعال گورنوشته‌ها در داستان، زمانی که برای همسرش شعر می‌خواند با نام غیررسمی «حسنعلی» شناسانده می‌شود و مادر که نقش منفعل دارد با هویت‌بخشی مقوله‌ای با عنوان «مادر» به‌صورت فرد ارجاعی نشان داده می‌شود:

«حسنعلی فکر کرد و شعر یادش آمد

رفت از سر ما سرور ما تاج سر ما

زحمتکش و مظلوم خدایا مادر ما

مادر لبخند زد»

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲).

در صحنه‌ای از داستان گفت‌وگوهای زن و شوهری درباره سنگ قبر و شعر روی آن به تصویر کشیده شده است؛ هویت این افراد مشخص نیست و فقط با گفته‌هایشان در داستان مشخص شده‌اند. در اینجا به‌نوعی تشخیص‌زدایی از نوع گفته‌مداری دیده می‌شود و این نشان‌دهنده اهمیت کنش و عدم اهمیت کنشگران است:

تو هم باور کردی. حسنعلی آدم حقه‌بازی است که لنگه‌اش پیدا نمی‌شود. اصلاً این

شعری که می‌گوید درباره مادر گفته‌اند، مال مادر نیست، مال پدر است.

رفت از سر ما سرور ما تاج سر ما

زحمتکش و مظلوم خدایا پدر ما نه مادر ما

حالا هر چی گفته. من این چیزها سرم نمی‌شود. فقط این را می‌دانم که حسنعلی
عقلش رسیده که این چیزها به زنش بگوید. (همان، ص. ۱۱۷)

پدر یوسف‌آبادی یکی دیگر از کنشگران فعال گورنوشته‌هاست که سنگ قبری را به
روستا می‌آورد که بالای آن دو عکس شیر کنده شده و زیر عکس‌ها شعری نوشته شده
است:

ای خاک تیره پدر ما را عزیز دار این جان ماست که دربر گرفته‌ای
(همان، ص. ۱۱۹)

کنشگران منفعل اشعار بالا به صورت مستقیم در داستان ذکر نشده‌اند و محذوف
هستند و با توصیف‌های بعد است که آشکار می‌شود، مردم آبادی این اشعار را بر روی
سنگ قبر خواهند دید (همان، ص. ۱۱۹). در صحنه بعد، فرد دیگری با نام پدر
میرحسینی نیز سنگ قبر مشکی رنگی به روستا می‌آورد که بر روی آن شعری نوشته
شده است؛ با این تفاوت که این بار توصیفی از کنشگر یا کنشگران منفعل دیده
نمی‌شود و با قرائن است که می‌شود دریافت مردم آبادی نقش منفعل را دارند:
«پدر میرحسینی نیز بعد از بابای یوسف‌آبادی سنگ قبری را سفارش می‌دهد که با خط
سفید رویش نوشته شده:

خوش آمدی به مزارم نموده‌ای شادام
(مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۰)

در این داستان بزرگسالان کنشگران فعال گورنوشته‌ها هستند و مسلم است
به صورت طبیعی کودکان به قبر توجهی ندارند و بزرگسالان هستند که به مرگ و
مسائل بعد از آن توجه دارند. همچنین در بیشتر مواقع کنشگران فعال این اشعار مردان
هستند و برای زنان نقش چندانی دیده نمی‌شود. به بیان دیگر، همچون برخی
موقعیت‌های دیگر داستان «نشان‌دهنده مفهوم مردسالاری و ظلم‌پذیری و سازش زنانه

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

در مقابل ستم‌ها و بی‌مهری‌هایی است که مردانشان در زندگی زناشویی به آنان تحمیل می‌کنند» (اسکندری شرفی، ۱۳۹۹، ص. ۵۳).

داستان سنگ روی سنگ نیز از جمله داستان‌های طنزآمیز کتاب تنور است که چهارده بیت اشعار عامه در آن بازنمایی شده است و بیشتر این اشعار در دسته لالایی‌ها قرار دارند و کنشگران این اشعار به طرق مختلف بازنمایی شده‌اند: «مادرها شب‌ها پلنگ خوابیده و پیر و گرسنه را به بچه‌هاشان نشان می‌دادند و موقع خواب برایشان لالایی می‌خواندند.

لا لا لا گُل لاله

پلنگ در کوه می‌ناله

پلنگ پیر و بی‌دندون

خری خورده است با پالون»

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۴)

در اشعار بالا کنشگران فعال و منفعل هر دو به‌صورت گروه ارجاعی ذکر شده‌اند و بدون نام هستند. کنشگر فعال با عنوان مادران و با هویت‌بخشی مقوله‌ای و بچه‌ها که نقش منفعل دارند با مؤلفه هویت‌بخشی نسبتی بازشناسانده می‌شوند. هویت‌بخشی از زیرمجموعه مشخص‌سازی به‌شمار می‌آید که در هویت‌بخشی مقوله‌ای کنشگران اجتماعی براساس مواردی مانند نژاد، جنسیت، حرفه و طبقه اجتماعی بازنمایی می‌شوند و در هویت‌بخشی نسبتی بازنمایی کنشگران براساس روابط خویشاوندی، دوستی و شغلی است (حاتمی و اروجی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۳).

برخلاف داستان سنگ /ول، کنشگران فعال اشعار عامه در این داستان، در تمام نمونه‌ها مؤنث هستند و مردان و پسران در نقش منفعل ظاهر می‌شوند. اظهار این کنشگران به شکل‌های مختلف است. در صحنه‌ای از داستان، اشعار عامه‌ای ذکر می‌شود که کنشگر فعال آن با عنوان مادر و کنشگر منفعل با عنوان پدر نشان داده می‌شود. با

توجه به زمینه داستان مشخص است پدر و مادر رحیم، قهرمان اصلی داستان، منظور است؛ بنابراین نویسنده به جای نام‌دهی از مؤلفه هویت‌بخشی نسبتی استفاده کرده است (رک: مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۵). در سه جا نیز نقش فعال با نام مادر و نقش منفعل با مؤلفه نام‌دهی «رحیم» آورده شده است (همان، صص. ۱۵۵-۱۵۶).

اشعار عامه این داستان از نوع لالایی‌هاست و معمولاً مادران هستند که در فرهنگ عامه، حافظ این گونه ادبیات عامه به حساب می‌آیند؛ به همین دلیل است در این داستان کنشگران فعال به جای نام‌دهی با عنوان مادر یا مادران معرفی می‌شوند که تأکید بر هویت‌بخشی مقوله‌ای و نسبتی است و از طرف دیگر نقش مادران را در انتقال و القای ایدئولوژی به کودکان نیز نشان می‌دهد.

۵-۳. مهمان مامان

یکی از آثار داستانی طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی، داستان *مهمان مامان* است، با این داستان است که فضای داستان‌های مرادی کرمانی از روستا به شهر تغییر پیدا می‌کند. در این کتاب، تنها در یک مورد اشعار عامه بازتاب یافته که چهار بیت است و مؤلفه حذف در آن دیده نمی‌شود. همچنین کنشگر فعال بدون نام است و با هویت‌بخشی نسبتی در داستان بازنمایی شده است که از زیرمقوله مؤلفه طبقه‌بندی به حساب می‌آید:

اتاق شلوغ بود، صدای دف و آواز می‌آمد و صدای خنده و کف‌زدن. مادر رفت که ببیند چه خبر است. بابا دفش را از بالای کمد برداشته بود، گرفته بود سر دستش و

می‌زد ژرب ژرب ژرب. بوم م بوم م م و می‌خواند:

لب بون اومدی رخ تازه کردی، گل بیخار منی

قدت را با قدم اندازه کردی، گل بیخار منی

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۵۹)

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

در این داستان کنشگران منفعل کودک و بزرگسال جداسازی نشده‌اند. اشعار عامه نیز مضمون عاشقانه دارند که شخصیت بابا همراه با دف آن را می‌خواند. کنشگر فعال اصالت روستایی دارد و شخصیت‌های شهری از طبقه متوسط و محروم، پذیرنده این اشعار هستند و البته طنزآمیز بودن اشعار باعث خندیدن کنشگران منفعل نیز می‌شود. هرچند محیط شهری است، کنشگران ارزش‌های سنتی خود را حفظ کرده‌اند و همسایه‌ها رابطه نزدیکی با همدیگر دارند. به نظر می‌رسد استفاده از عنوان بابا برای کنشگر فعال، تأکید بر هویت نسبیتی و ارتباطی است که این افراد با هم دارند. این نکته نیز درخور ذکر است که «رابطه همسایه‌ها در داستان‌های دهه هفتاد کودک و نوجوان مانند خویشاوندان است که روابطی صمیمانه با هم دارند و هنگام نیاز به یاری یکدیگر می‌شتابند.» (حسن‌لی و اسدی، ۱۳۹۰، ص. ۵۴).

۵-۴. لبخند انار

داستان طنزآمیز *لبخند انار* در مجموعه داستانی با همین عنوان انتشار یافته است که بازتاب سه بیت اشعار عامه در آن مشاهده می‌شود و این اشعار در جهت ایجاد فضای طنزآمیز در داستان به کار برده شده است:

ای شنبه ناراضی	ای شنبه خواب‌آلو
چوب‌ها همه آلبالو	پاها همه خون‌آلو

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰).

محتوای این اشعار با گفتمان تربیتی حاکم بر داستان هماهنگ است و خشونت در فضای آموزشی گذشته را نشان می‌دهد. کنشگر اصلی این اشعار دانش‌آموزان هستند که سر صف آن را می‌خوانند، اما در داستان یکی از حاضران در جلسه بزرگداشت آقای دباغ در نقش کنشگر فعال ظاهر شده و برای حاضران در جلسه آن را تکرار می‌کند؛

براساس مؤلفه‌های ون لیوون می‌توان گفت کنشگر فعال با هویت بخشی نسبتی معرفی می‌شود:

من مهمان شما هستم. آقای سپهری لطف کردند و مرا آوردند. در مکتب مرحوم دباغ هرگز نبوده‌ام؛ اما جلسه شما آن قدر صمیمی، جذاب و شوق‌انگیز است که مرا سر ذوق آورد و حیقم آمد این شعر را که در شهر ما، هر صبح شنبه، سرصف خوانده می‌شد، تقدیم شما عزیزان نکنم (همان).

اشعار عامه دیگری نیز در وصف آقای دباغ خوانده می‌شود که هیچ نشانی از کنشگر فعال آن در داستان نشان داده نمی‌شود و از روی قرائن متن مشخص است که یکی از حاضران در جلسه بزرگداشت آقای دباغ باید باشد و به نوعی تشخیص‌زدایی از نوع گفته‌مداری رخ داده که بازنمایی کنشگر با گفته او انجام شده است. به نظر می‌رسد این نوع بازنمایی در جهت برجسته‌سازی تأثیر آقای دباغ بر ذهن و روان دانش‌آموزان باشد که «حتی در بزرگسالی و گذشت سالیان دراز از دوران تحصیل خود، هم‌چنان روح او را در میان خود حاضر می‌بینند» (صفایی و کارگر، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۷).

تو ای دباغ، ای انسان والا کجایی تا ببینی وضع حالا
تو را در جمع بیم‌حی و حاضر نرفتی از زبان و فکر و خاطر
(مرادی کرمانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۳)

برخلاف داستان‌های قبلی که کنشگران فعال و منفعل به نوعی با روستا در ارتباط‌اند، در این داستان اثری از ارتباط با روستا و ارزش‌های روستایی دیده نمی‌شود. کنشگران فعال و منفعل دانش‌آموزان سابق و بزرگسالان حاضر هستند و اشعار نیز در ارتباط با مدرسه است.

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... _____ حسن ذوالفقاری و همکاران

۵-۵. مثل ماه شب چهارده

یکی دیگر از داستان‌های طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی *مثل ماه شب چهارده* است. مکان وقوع داستان شهر است. در این کتاب تنها در یک‌بار اشعار عامه دیده می‌شود. کنشگر فعال در بازنمایی این اشعار ننه‌اناری است، اما راوی داستان که سوم شخص است، روشن نکرده است اشعاری که ننه‌اناری با خود زمزمه می‌کند، بچه‌ها و استاد کاریکاتور شنیده‌اند یا خیر؛ بنابراین می‌توان گفت که کنشگر منفعل محذوف شده است:

بوی مغز سوخته بادام توی نمایشگاه کاریکاتور پیچیده بود. ننه‌اناری آرام زیر لب
دوبیتی روستایی می‌خواند:

دو چشمون ولم جفتی ستاره	دکون سرمه را کرده اجاره
اگر یک شو به خواب من بیایه	خدا عمری به من می‌ده دوباره

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۷، ص. ۷۰)

به غیر از مؤلفه فعال‌سازی و منفعل‌سازی، مؤلفه هویت‌بخشی ظاهری نیز در بازنمایی این اشعار وجود دارد؛ راوی، عنوان ننه‌اناری را برای نقش فعال خود انتخاب کرده است؛ عنوانی که براساس ویژگی ظاهری این شخصیت داستانی شکل گرفته است و به بیان دیگر هویت‌بخشی ظاهری صورت گرفته است. از دیدگاه مؤلفه تعیین ماهیت نیز کنشگر فعال به صورت فرد ارجاعی نشان داده شده است. عنوان ننه‌اناری و دوبیتی روستایی نشان از ارتباطی است که بین این اشعار و زندگی روستایی یا طبقه سنتی وجود دارد.

۵-۶. نازبالش

داستان نازبالش در اواخر دهه ۱۳۸۰ انتشار یافته است. مکان داستان هم روستا و هم شهر است و شخصیت‌های شهری داستان همچنان ارتباط خود را با روستا حفظ کرده‌اند. در این کتاب تنها در یک جا اشعار عامیانه بازتاب داده شده است. از میان مؤلفه‌های اصلی ون لیوون، حذف در آن دیده نمی‌شود و کنشگران فعال و منفعل آن آشکار هستند. نقش فعال اشعار عامه در داستان نازبالش زنی است که انار می‌خورد و آویشن نوجوان، نقش منفعل و پذیرنده را دارد:

آویشن با کیسه پول تو کوچه روستا می‌دوید. زنی انار می‌خورد و زیر لب آواز می‌خواند. آویشن از سر دیوار نگاه کرد و گوش داد. چه سوز و حالی داشت صدای زن:

سر کوهی بلند دیگی به باره برنج جوش می‌خوره، دل بی قراره
برنج جوش می‌خوره با شیر میشون جدا کردن مرا از قوم و خویشون
(مرادی کرمانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۳)

از میان مؤلفه‌های تشخیص‌بخشی، مشخص‌سازی و از زیرمجموعه آن، نام‌دهی و طبقه‌بندی در بازنمایی کنشگران فعال و منفعل در داستان نازبالش دیده می‌شود. نقش منفعل با نام غیررسمی «آویشن» آورده شده و نقش فعال با مشخصه ظاهری «انارخوردن» ذکر شده است. به بیان دیگر هویت‌بخشی به زن براساس ویژگی ظاهر «انارخوردن» صورت گرفته است. پروین سلاجقه در کتاب *صدای خط خوردن مشق* انار را یکی از مضمون‌های پرتکرار و تامل‌برانگیز در آثار مختلف مرادی کرمانی برمی‌شمارد که جنبه نمادین پیدا کرده است (سلاجقه، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۷). انار در برخی از ادیان نیز میوه مقدس به حساب می‌آید و در افسانه‌های ایرانی نیز نقش پررنگی ایفا کرده و معمولاً در ارتباط با جنس مؤنث است.

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

در قصه‌های پریان، دختر شاه‌پریان از میوه یک درخت که غالباً درخت انار است بیرون می‌آید. در نمایشنامه «دختر انار» نیز این مطلب صدق می‌کند. «دختر انار» افسانه‌ای است که در آن شخصیت اصلی دختری است که طلسم شده و در درون اناری زندگی می‌کند. این افسانه که در ادبیات شفاهی رشته کوه زاگرس ریشه دارد، از پیکر اسطوره جدا شده است؛ چراکه در باورهای اساطیری نیز به پیدایش آدمی از گیاه، بارها اشاره شده است (عادل‌زاده و پاشایی فخری، ۱۳۹۴، ص. ۳۶۵). در کتاب فرهنگ نمادها، تصویر انار شکسته نشان‌دهنده آرزو و باروری دانسته شده است (شوالیه و گربران، ۱۹۸۴، ترجمه فضایی، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۰). با توجه مطالب ذکرشده همراهی انار با زنان راوی در ادبیات عامه نشان می‌دهد که انار جنبه نمادین دارد و معنادار است. به‌خصوص اینکه این راویان نام خاصی نیز در داستان ندارند و با عنوان «زنی که انار می‌خورد» و در داستان ناز بالش «ننه اناری» معرفی می‌شوند. برای گره‌گشایی از مفهوم انار به خود قصه و باورهای ننه‌اناری نیز باید توجه کرد: «خدا کند هیچ وقت دانه اناری را گم نکنم. یکی می‌گفت انار میوه بهشتی است، برعکس انگور که میوه بهشتی نیست» (مرادی کرمانی، ۱۳۹۷، ص. ۶۰). کنار هم قرار گرفتن سه عنصر زن و انار و روستا و ادبیات عامه شاید از نگاه مرادی کرمانی بیانگر دو نکته باشد: اول اینکه زنان نقش اساسی در حفظ اشعار عامه را دارند؛ دوم، در دوره مدرن ادبیات عامه دیگر چندان جایگاهی نداشته و به فراموشی سپرده شده‌اند و باید در لابه‌لای اسطوره‌ها آن را جست‌وجو کرد.

۶. نتیجه

پس از بررسی اشعار عامه در شش اثر داستانی طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی مشخص شد کاربرد اشعار عامه در داستان‌های با فضای روستایی بیشتر از فضای شهری است.

همچنین براساس الگوی ون لیوون، هر دو شکل حذف و اظهار در بازنمایی کنشگران اشعار عامه دیده می‌شود؛ اگر کنشگران را آفریننده اصلی اشعار عامه در نظر بگیریم، در بیشتر مواقع حذف صورت گرفته است و اگر کنشگران راویان اشعار عامه در داستان‌ها در نظر گرفته شود با مؤلفه‌های مختلف اظهار شناسانده می‌شوند:

فعال‌سازی / منفعل‌سازی: مقایسه بازتاب اشعار عامه در دو مکان روستایی و شهری این نکته را آشکار می‌سازد که در جوامع روستایی در کنار بزرگ‌سالان، کودکان نیز گاهی نقش کنشگر فعال را برعهده دارند، اما در جوامع شهری کودکان و نوجوانان بیشتر نقش منفعل دارند و بزرگ‌سالان به منزله عنصری پویا معرفی می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان گفت کودکان و نوجوانان بیشتر در نقش منفعل ظاهر شده‌اند. بررسی صورت‌پذیرفته نشان داد، از نظر جنسیت کنشگران، زنان و مردان هر دو گاهی نقش فعال و گاهی نقش منفعل را بر عهده دارند. نکته دیگر اینکه نقش فعال اشعار عامه در جوامع شهری نیز شخصیت‌هایی بر عهده دارند که اصالت روستایی دارند.

تشخص‌بخشی و تشخص‌زدایی: در بررسی انجام‌شده در داستان‌های طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی از میان مؤلفه تشخص‌زدایی بیشتر گفته‌مداری دیده می‌شود و از میان عناصر تشخص‌بخشی، مشخص‌سازی به صورت نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن صورت پذیرفته است. کنشگران شعار عامه گاهی با نام نیمه‌رسمی یا به‌ندرت با نام رسمی معرفی می‌شوند که نام‌ها متعلق به طبقه سنتی و روستایی است. در برخی موارد نیز به جای نام از طبقه‌بندی برای شناساندن کارگزاران فعال استفاده می‌شود که جنبه نمادین به این کنشگران می‌دهد.

تعیین ماهیت: بخش دیگری از مؤلفه اظهار، تعیین ماهیت است که به چند دسته تقسیم می‌شود. در بسیاری از مواقع در آثار مرادی کرمانی تعیین ماهیت کنشگران اشعار

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

عامه به صورت فرد ارجاعی است. گاهی نیز به صورت مجموعه ارجاعی دیده می‌شود. کودکان معمولاً به صورت عام ارجاعی نشان داده می‌شوند.

در مجموع به نظر می‌رسد هوشنگ مرادی کرمانی در بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های خود بر این نکته اصرار می‌ورزد که حافظان اصلی ادبیات عامه، مردمان جوامع روستایی هستند؛ کسانی که ممکن است بنا به دلایلی در شهر نیز ساکن شوند، اما حافظه فرهنگی جامعه خود را حفظ کرده‌اند و مردمان شهر فاقد این حافظه هستند و فقط به وسیله مردم روستاست که می‌توانند با این حافظه فرهنگی در ارتباط باشند و از آن بهره‌مند شوند و لذت ببرند.

منابع

- ادهمی، ح. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل سیر تحول شخصیت در آثار هوشنگ مرادی کرمانی. *یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی*. گیلان: دانشگاه گیلان.
- اکبری، ح. ر. (۱۳۹۵). *بازنمایی کنشگران اجتماعی در بخارای من، ایل من*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات انگلیسی. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- اسکندری شرفی، ف. (۱۳۹۹). نقد غنای روان‌شناسی مجموعه داستان تنور و داستان‌های دیگر هوشنگ مرادی کرمانی با تکیه بر انگاره متیولپمن. *رخسار زبان*، ۱۵، ۵۷-۲۹.
- جعفری (قنوتی)، م. (۱۳۸۴). درباره ادبیات شفاهی ۱. *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ۹۱، ۱۰۵-۱۰۲.

- حاتمی، پ.، و اروجی، م. (۱۳۹۶). *درآمدی بر تحلیلی گفتمان انتقادی*. تهران: ساکو.
- حسن‌لی، ک.، و اسدی، ک. (۱۳۹۰). تحلیل محیط شهری و عناصر آن در داستان‌های کودک و نوجوان. *مطالعات ادبیات کودک*، ۴، ۳۳-۶۰.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۹، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۴۰۰

حیدری آبکنار، غ. و اسدی، م. (۱۳۹۶). نقش فرهنگ عامه کرمان در غنی‌سازی ادبیات کودک و نوجوان. *نامه فرهنگستان*، ۱ (۶۱)، ۱۷۹-۱۸۵.

ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.

سلاجقه، پ. (۱۳۹۲). *صدای خط خوردن مشق*. تهران: معین.

شوالیه، ژ. و گبران، آ. (۱۹۸۴). *فرهنگ نمادها*. ترجمه س. فضایی (۱۳۸۴). تهران: نشر جیحون.

صفائی، علی. و کارگر، ا. (۱۳۹۵). بررسی گفتمان آموزشی داستان لبخند انار هوشنگ مرادی کرمانی بر مبنای نظریه ایدئولوژی آلتوسر. *نشرپژوهی ادب فارسی*، ۴۰، ۱-۱۶۱.

عندلیب لاری، ع. ر. (۱۳۸۹). *بازتاب فرهنگ عامه و طنز در آثار هوشنگ مرادی کرمانی*.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. فارس: دانشگاه پیام نور.

عیسی‌پور کلهبونی، ا. (۱۳۹۲). *بومی‌گرایی در آثار هوشنگ مرادی*. پایان‌نامه ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.

فاضلی، ن. (۱۳۹۳). *تاریخ فرهنگی ایران مدرن*. تهران: پژوهشگاه مطالعات و علوم انسانی.

فقیه پرشکوهی، آ. و عیسی‌پور کلهبونی، ا. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای عناصر بومی و اقلیمی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و محمد بهمن بیگی. *ادبیات و زبان‌های محلی ایران*، ۳، ۸۷-۱۱۳.

قمری‌زاده، پ. و پاشایی قمری، ک. (۱۳۹۴). بررسی انار در اساطیر و بازتاب آن در ادب فارسی. *سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی*، ۱، ۳۶۱-۳۷۴.

کارگر، ا. (۱۳۹۲). *بررسی جنبه‌های فولکوریک در آثار هوشنگ مرادی کرمانی براساس نظریه ایدئولوژی آلتوسر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

قهرمانی، م. (۱۳۹۳). *ترجمه و تحلیل گفتمان انتقادی: رویکرد نشانه‌شناسی*. تهران: علم.

مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۳). *نازیالش*. تهران: معین.

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

- مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۴). *خمره*. تهران: معین.
- مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۷). *کبوتر توی کوزه*. تهران: نشر نی.
- مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۴). *لبخند / نار*. تهران: معین.
- مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۶). *تنور و داستان‌های دیگر*. تهران: معین.
- مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۷). *مثل ماه شب چهارده*. تهران: معین.
- مرادی کرمانی، ه. (۱۳۹۸). *مهمان مامان*. تهران: انتشارات نی.
- منظری توکلی، س.، و بشیری، م. (۱۳۹۷). *بومی‌گرایی و اقلیم‌گرایی در رمان شما که غریبه نیستید* هوشنگ مرادی کرمانی. *اورمزد*، ۱، ۱۴۹-۱۶۷.
- یارمحمدی، ل. (۱۳۹۳). *درآمدی به گفتمان‌شناسی*. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، ل. (۱۳۹۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: سروش.
- ون دایک، ت. (۲۰۰۴). *ایدئولوژی و گفتمان*. ترجمه م. نوبخت (۱۳۹۴). تهران: سپاه‌رود.

References

- Adhami, H. (2016). *Investigation and analysis of the evolution of personality in the works of Houshang Moradi Kermani*. The Eleventh meeting of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature, Gilan, University of Gilan.
- Akbari, H. R. (2016). *Representation of social activists in my Bukhara*. Master Thesis in English Language and Literature, Kermanshah, Razi University.
- Andalib Lari, A. (2010). *Reflection of folk culture and satire in the works of Houshang Moradi Kermani*. Master Thesis in Persian Language and Literature, Fars, Payame Noor University.
- Eskandari Sharafi, F. (2020). A Critique of the richness of psychology in the Tandoor story collection and other stories by Houshang Moradi Kermani, based on the ideology of Methyolipman. *Rokhsar Zaban*, 15, 29-57.
- Faqih Parshokoochi, A., & Isapour Kalhaboni, A. (2017). A comparative study of indigenous and climatic elements in the works of Houshang Moradi Kermani and Mohammad Bahman Beigi. *Literature and Local Languages of Iran*, 7(3), 87-113.

- Fazeli, N. (2014). *Cultural history of modern Iran* (in Farsi). Institute of Humanities and Studies.
- Ghamrizadeh, P., & Pashaei Ghamari, K. (2015). A study of pomegranate in mythology and its reflection in Persian literature. *Stylistics of Persian Poetry and Prose*, 8(1), 361-374.
- Hassan Lee, K., & Asadi, K. (2011). Analysis of the urban environment and its elements in children and adolescent stories. *Studies of Children's Literature*, 4, 33-60.
- Hatami, P., & Arooji, M. (2016). *An Introduction to critical discourse analysis* (in Farsi). Sako.
- Heidari Abkenar, G., & Asadi, M. (2017). The role of Kerman folk culture in enriching children and adolescent literature. *Academy Letter*, 1(61), 179-185.
- Issapour Kahlbouni, A. (2013). *Indigenous in the works of Houshang Moradi*. Master Thesis in Persian Language and Literature, Ardabil, Mohaghegh Ardabil University.
- Jafari Qanvati, M. (2005). About oral literature 1. *Book of the Month for Children and Adolescents*, 91, 102-105.
- Kargar, E. (2013). *A study of folkloric aspects in the works of Houshang Moradi Kermani based on Althusser's theory of ideology*. Master Thesis, University of Guilan, Faculty of Literature and Humanities.
- Knight, J., & Gerbran, A. (1984). *Culture of symbols* (translated into Farsi by Soodabeh Fazaili). Jeihun.
- Manzari Tavakoli, S., & Bashiri, M. (2018). Indigenousness and climaticism in Your Novel You Are Not a Stranger by Houshang Moradi Kermani. *Ormazd Magazine*, 1, 149-167.
- Moradi Kermani, H. (2014). *Cushion* (in Farsi). Moin.
- Moradi Kermani, H. (2015). *Pomegranate smile* (in Farsi). Moin.
- Moradi Kermani, H. (2015). *The water urn* (in Farsi). Moin.
- Moradi Kermani, H. (2017). *Oven and other stories* (in Farsi). Moin.
- Moradi Kermani, H. (2018). *Like the moon of the fourteenth night* (in Farsi). Moin.
- Moradi Kermani, H. (2018). *Pigeons in the jar* (in Farsi). Ney.
- Moradi Kermani, H. (2019). *Mom's guest* (in Farsi). Ney.
- Qahramani, M. (2014). *Critical discourse translation and analysis: a semiotic approach* (in Farsi). Science.

تحلیل گفتمانی بازنمایی اشعار عامه در داستان‌های طنزآمیز... حسن ذوالفقاری و همکاران

- Safaei, Ali., & Kargar, A. (2016). Investigating the educational discourse of Houshang Moradi Kermani's Pomegranate Smile Story based on Althusser's theory of ideology. *Prose Study of Persian Literature*, 19(40), 1-16.
- Selajgeh, P. (2013). *The sound of homework lines* (in Farsi). Moin.
- Van Dijke, T. (2004). *Ideology and discourse* (translated into Farsi by Mohsen Nobakht). Siahroud.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice*. Oxford University Press.
- Yar Mohammadi, L. (2014). *An introduction to discourse studies* (in Farsi). Hermes.
- Yar Mohammadi, L. (2014). *Common and critical discourse* (in Farsi). Soroush.
- Zolfaghari, H. (2015). *Folk language and literature of Iran* (in Farsi). Samt.

